

Evidence-based Policy-making and the Role of Statistics and Information

Leila Namdarian

PhD of Science and Technology Policy-making; Assistant Professor; Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IRANDOC) namdarian@irandoc.ac.ir

Received: 25, Oct. 2015

Accepted: 23, Dec. 2015

Abstract: Achieving the ultimate goals of policy-making will not be possible by using methods such as surveys. Evidence-based policy-making is a new approach in the public policy which has increased in many countries. Evidence-based policy-making is based on the assumption that decisions should be based on available evidence and rational analysis in addition to the judgments and opinions. One of the important evidences is statistics. Accurate statistics can promote the accuracy, quality and capacity of policy. According to the importance of the statistics for the evidence-based policy-making, this paper is seeking to examine the importance of the statistics for evidence-based policy-making and trying to show that the correct and efficient use of statistics leads to better policy. This paper uses mixed method for this purpose. Mixed method approach used in this paper is the sequential exploratory design that qualitative data followed by the quantitative data is collected and analysed. First, the comprehensive process framework for evidence-based policy-making is developed in the qualitative part by using meta-synthesis. Second, in the quantitative part, binomial test is used to validation of the developed framework. Data collection tool is a questionnaire and has been completed by 15 experts in the field of policy-making. Finally, the paper examines the role of information and statistics in the steps of proposed framework.

Keywords: Statistics, Evidence-based Policy-making, Meta-synthesis, Policy-making

**Iranian Journal of
Information
Processing and
Management**

**Iranian Research Institute
for Science and Technology**

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed in SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 31 | No. 3 | pp: 601-629

Spring 2016

سیاست گذاری مبتنی بر شواهد و نقش آمار و اطلاعات در آن

لیلا نامداریان

دکتری سیاست گذاری علم و فناوری؛
استادیار؛ پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک) namdarian@irandoc.ac.ir



دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۳ | پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۰۲ | مقاله برای اصلاح به مدت ۲ روز نزد پدیدآور بوده است.

چکیده: تحقق اهداف نهایی سیاست گذاری در پرتو استفاده از شیوه‌هایی چون نظرسنجی امکان‌پذیر نخواهد بود. سیاست گذاری مبتنی بر شواهد به عنوان رویکردی جدید به چرخه سیاست گذاری عمومی در بسیاری از کشورها رواج یافته و بر این فرض استوار است که تصمیم‌های سیاسی باید در کنار استفاده از قضاوت‌ها و نظرسنجی‌ها با شواهد در دسترس و بر پایه یک تجزیه و تحلیل منطقی اتخاذ شوند. یکی از شواهد مهم در این رویکرد آمار و اطلاعات است. بر این اساس، آمار می‌تواند در صورت دقت و صحت، کیفیت و ظرفیت سیاست گذاری ملی را ارتقاء دهد. هدف تحقیق حاضر تشریح نقش آمار و اطلاعات در گام‌های مختلف سیاست گذاری و نشان دادن اهمیت استفاده درست و کارآمد از آمار در اتخاذ سیاست‌های بهتر و باکیفیت است. به منظور تحقق این هدف، روش ترکیبی با رویکرد طرح اکتشافی ترتیبی مورد استفاده قرار گرفته است. در این طرح ابتدا داده‌های کیفی و به دنبال آن داده‌های کمی گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند. به این ترتیب، ابتدا در بخش کیفی مقاله با استفاده از روش فراترکیب^۱ چارچوب فرایندی جامعی برای سیاست گذاری مبتنی بر شواهد استخراج شده و در ادامه، در بخش کمی برای گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای طراحی و توسط ۱۵ نفر از خبرگان حوزه سیاست گذاری کشور تکمیل شده است و سپس، برای اعتبارسنجی چارچوب مفهومی پژوهش، آزمون دو جمله‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های کمی نشان‌دهنده اعتبار چارچوب پیشنهادی تحقیق برای سیاست گذاری مبتنی بر شواهد است. بخش انتهایی مقاله حاضر به نقش آمار و اطلاعات و ارائه نمونه‌هایی از کاربرد آمار در گام‌های چارچوب فرایندی پیشنهادی برای سیاست گذاری مبتنی بر شواهد می‌پردازد.

فصلنامه | علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا (چاپی) ۲۲۵۱-۸۲۲۳
شاپا (الکترونیکی) ۲۲۵۱-۸۲۳۱
نمایه در SCOPUS، ISI، LISTA و
jipm.irandoc.ac.ir
دوره ۳۱ | شماره ۳ | صص ۶۰۱-۶۲۹
بهار ۱۳۹۵

1. Meta synthesis

کلیدواژه‌ها: آمار، اطلاعات، سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، فراترکیب، سیاست‌گذاری

۱. مقدمه

اصطلاح «مبتنی بر شواهد»^۱ که بیشتر در حوزه پزشکی به کار می‌رود، در مورد سیاست‌گذاری نیز کاربرد دارد. سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد^۲ به عنوان رویکردی جدید در سیاست‌گذاری، اخیراً در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است. واژه سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد برای نخستین بار در دولت «تونی بلر»^۳ در سال ۱۹۹۷ در انگلستان مطرح شد. امروزه سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد به صورت گسترده‌ای در محافل سیاست‌گذاری، سازمان‌های دولتی و پژوهشی به کار می‌رود. سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد با قراردادن بهترین شواهد و مدارک موجود در قالب توسعه و اجرای سیاست کمک می‌کند که تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها اخذ شود (Davies 2004). به عنوان یک تعریف می‌توان گفت که سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد یعنی اینکه در کنار تجربه‌ها، تخصص‌ها و قضاوت‌های فردی و جمعی، از شواهد حاصل از پژوهش نظام‌مند نیز برای سیاست‌گذاری استفاده شود. این رویکرد در مقابل سیاست‌گذاری مبتنی بر نظرات و عقاید قرار می‌گیرد که اغلب این نظرات و عقاید ناشی از دیدگاه‌های آزمون نشده افراد یا گروه‌هاست، یا ممکن است الهام گرفته از نگاه ایدئولوژیک، تعصبات یا حدس و گمان باشد. سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، پویایی خاصی در تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاست‌گذاری به وجود آورده که به کمک آن، سیاست‌های مبتنی بر نظر و عقیده جای خود را به سیاست‌هایی داده که با استفاده از شواهد با کیفیت و در فرایندی دقیق تدوین می‌شوند (Muir Gray 1997).

یکی از مهم‌ترین شواهد تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری در بخش عمومی، آمار و مدل‌های آماری موجود است (Davies 2004). آمار و اطلاعات دقیق ستاده‌های سیاستی به ویژه در گام‌های ابتدایی سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آمار و اطلاعات شواهدی هستند که سیاست‌ها بر مبنای آنها ساخته می‌شوند و به شناسایی نیازها و هدف‌گذاری کمک می‌نمایند. بدون آمار خوب فرایند توسعه نایبناست؛ سیاست‌گذاران نمی‌توانند از اشتباهات خود یاد بگیرند و دولت نمی‌تواند از آنها توقع پاسخ‌گویی داشته باشد (World Bank 2000).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نقش و اهمیت آمار و پژوهش در سیاست‌گذاری ملی به درستی تبیین نشده است. در این کشورها سیاست‌گذاران، آمار را به عنوان عنصری مهم برای

1. evidence-based

2. evidence-based policy-making

3. Tony Blair

حاکمیت، مدیریت بخش عمومی و همچنین مدیریت بخش خصوصی چندان مورد توجه قرار نمی‌دهند. سازمان‌های آماری نیز در تغییر این وضعیت، اقدامات چشمگیری انجام ندادند. از طرفی، بی‌توجهی یا عدم توجه سطوح مختلف سیاست‌گذاری این کشورها به اهمیت آمار، منجر به کم‌دقتی در تولید آمار شده است. این کم‌دقتی به‌نوبه خود باعث تولید داده‌های ضعیف و به تبع آن، باعث پایین آمدن تقاضا برای آمار، کم‌اهمیتی به استفاده از آمار و تضعیف سازمان‌های آماری شده است و این امر منجر به طراحی سیاست‌های ضعیف، اتخاذ تصمیم‌های ناآگاهانه، ناتوانی در نظارت بر اجرای سیاست‌ها و ناتوانی در ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌های ملی شده است (دانایی‌فرد و همکاران ۱۳۹۲). در کشور ما این الگو از سیاست‌گذاری یک الگوی کاملاً نو و جدید است که هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ تجربی و عملی کمتر مورد توجه بوده است. سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در کمتر پژوهشی در ایران مطرح شده است و با اطمینان می‌توان گفت که مقالات، کتب، و نشریات معدود و انگشت‌شماری این رویکرد جدید سیاست‌گذاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و از حیث نظری، خلأ قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. از حیث عملی و تجربی، استفاده از شواهد در سیاست‌گذاری و در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور نقش قابل توجهی نداشته است. با توجه به اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر در تلاش است که رویکرد جدید سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد را تجزیه و تحلیل کرده و به اهمیت آمار در تصمیم‌گیری بپردازد. به این ترتیب، تحقیق حاضر با طرفداری از ایده استفاده از آمار در سیاست‌گذاری به دنبال ارتقای تفکر آماری در جامعه و قراردادن آمار در تصمیم‌گیری‌های دولتی، نشان‌دادن اهمیت آن به دولت، قانون‌گذاران و دیگر دست‌اندرکاران قدرت است. در واقع، یکی از اهداف تحقیق، کمک به ترویج فرهنگ سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و بسیج منابع ملی و بین‌المللی برای توسعه آماری است، چرا که سیاست‌گذاری باید دانش‌محور بوده و در عین حال، تفکیک داده، اطلاعات، دانش و خرد در آن به‌خوبی انجام و از ابزارهای تحلیلی مناسب استفاده شود. آمار شاهدهی قوی است که اگر به‌درستی تهیه شده باشد، می‌تواند صحت و دقت سیاست‌های ملی را ارتقا دهد. در این راستا، بخش دوم این پژوهش به شرح مبانی و پیشینه تحقیق و بخش سوم به روش و استخراج گام‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد می‌پردازد. بررسی و تفسیر نقش آمار و اطلاعات در هر کدام از گام‌های پیشنهادی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در بخش چهارم و در نهایت، نتیجه‌گیری در بخش پنجم انجام شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در این بخش ابتدا به بررسی مطالعات گذشته و مبانی نظری سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد

پرداخته می‌شود و سپس، چند نمونه از مدل‌های مطرح برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد

اصطلاح «مبتنی بر شواهد» که بیشتر در حوزه پزشکی به کار می‌رود، در مورد سیاست‌گذاری نیز کاربرد دارد. در حوزه سیاست‌گذاری نیز می‌توان بر دو نوع سیاست‌گذاری مبتنی بر عقیده و نظر و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد اشاره کرد (Gray 1997).

تغییر از روش قدیمی سیاست‌گذاری با منشأ ایدئولوژیک (سیاست‌گذاری مبتنی بر عقیده و نظر) به سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در اثر پیشرفت‌های بسیار مهم به وجود آمده است. یکی از این پیشرفت‌ها، رشد جمعیت تحصیل کرده و آگاهی است که به صورت فعال در پی سؤال از تأثیر اقدامات اقتصادی و اجتماعی دولت هستند (Nutley et al. 2000)؛ به‌ویژه اینکه رشد هزینه‌های عمومی موجب می‌شود که مالیات‌دهندگان در مورد مشکلات اجتماعی و تأثیرشان بر سرمایه‌های عمومی تحقیق کنند (Sanderson 2002). پیش فرض مبتنی بر شواهد این است که اگر بتوان در مورد موضوع و مسئله، اطلاعات گسترده و با کیفیتی جمع‌آوری کرده و آن را به دانش معنادار تبدیل نمود و در بین افراد ذینفع که قدرت عمل دارند، منتشر کرد، می‌توان در مورد مسائل عمومی تصمیمات بهتری اتخاذ نمود (Clarence 2002).

سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد یک دهه پیش در چندین کشور پیشرفته از جمله در بریتانیا (Bulmer et al. 2007) و ایالات متحده (Jewell and Bero 2008) مطرح شد. گرایش‌های مشابهی نیز در کشورهای دیگر از جمله در استرالیا و کشورهای منطقه اسکانندیناوی شکل گرفته است (AO 2009). در کشورهای در حال توسعه نیز به دلایلی چون حرکت این کشورها به سمت استراتژی‌های کاهش فقر، نیاز به اطلاعات قابل اعتماد و به موقع برای تحلیل سیاست‌ها و پاسخ به انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات که بر دولت‌ها برای ارائه اطلاعات فشار آورده است، استفاده از سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ضروری به نظر می‌رسد (Scott 2005). همچنین، صاحب‌نظران مختلفی اقدام به مطالعه و بررسی رویکرد سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در حوزه‌های مختلف کرده‌اند که در ادامه به صورت خلاصه به برخی از آنها پرداخته می‌شود:

«نیوتلی و همکاران» در تحقیق خود سیاست مبتنی بر شواهد و نحوه خدمت‌رسانی مرکز مدارک و شواهد انگلستان به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کشور را مورد بررسی قرار داد (Nutley et al. 2002).

«شاکسون» در مطالعه خود به بررسی دلیل اهمیت وجود شواهد در سیاست‌گذاری پرداخته

است. این تحقیق نشان می‌دهد که شواهدی که برای تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌بایست دارای ویژگی‌هایی نظیر خوش‌فکری و نیرومندی، اعتبار، تعمیم‌پذیری، قابلیت اطمینان، عینیت، ریشه یا اصالت باشند (Shaxson 2005). «کیپل» نیز شواهد و نقش آن را در سیاست انگلستان مورد بررسی قرار داده و به این سؤالات پاسخ می‌دهد که آیا شواهد در سیاست‌گذاری اهمیت دارند؟ و چه چیزهایی توان سیاست‌گذاران را در استفاده از شواهد محدود می‌کند؟ (Cable 2004).

برای انواع شواهد دسته‌بندی‌های مختلفی وجود دارد و صاحب‌نظران و دولت‌های مختلف انواع گوناگونی از شواهد را برای سیاست‌گذاری متصور هستند. «اداره کابینه بریتانیا» در سال ۱۹۹۹ انواع شواهد را شامل دانش خبرگان، تحقیقات منتشر شده، تحقیقات موجود، مشاوره از ذینفعان، ارزیابی سیاست‌های قبلی، اینترنت، نتایج حاصل از مشاوره‌ها، پیامدهای مدل‌های اقتصادی و آماری معرفی می‌کند (Cabinet Office 1999). «مارستون و واتس» معتقدند که انواع شواهد مناسب برای سیاست‌گذاری عبارت‌اند از پرونده‌های اداری، فایل‌های روزنامه‌ها، عکس‌ها، متون ادبی، شرح حال‌ها و خاطرات، مشاهدات قوم‌نگارانه^۱ و مشاهدات ویژه (Mareston and Watts 2003). به‌طور کلی، می‌توان گفت که شواهد برای سیاست‌گذاری، اغلب به‌عنوان یک ابزار سیاسی و ذهنی به کار برده می‌شود. اینکه چه چیزی به‌عنوان شواهد در نظر گرفته شود و واژه شواهد بر چه چیزی دلالت می‌کند، یک موضوع با اهمیت بوده و نیازمند آن است که از واژه مبهم شواهد ابهام‌زدایی شود. شناسایی انواع شواهد، سلسله‌مراتب و زنجیره شواهد، برای شناسایی اینکه چه شواهدی برای سیاست‌گذاری مناسب هستند، مفید است. «دیویس» یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری عمومی را آمار و الگوهای آماری موجود می‌داند (Davies 2004).

موارد و نمونه‌های موفق جهانی در خصوص استفاده از آمار در تجزیه و تحلیل و طراحی سیاست‌ها و همچنین ارزیابی نتایج سیاست‌ها بسیار است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقر در کشور «غنا» از ۵۲ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۹ کاهش یافته است. افزایش فقر در این منطقه همواره موضوع مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. یک تیم از آماردانان، مقامات، و کارشناسان این کشور تعدادی کارگاه آموزشی در سراسر کشور برگزار کردند. در پی این بحث‌ها و بعد از تجزیه و تحلیل نتایج

1. Ethnographic observations

سرشماری، اهداف کاهش فقر تدوین شد و در برنامه کاهش فقر سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ گنجانده شد. این برنامه همچنین، شامل سیاست‌هایی برای ترویج کشاورزی و توسعه روستایی بوده که به منظور بهبود شرایط خانوارهای کشور غنا، که اکثر آنها کشاورز بودند، در نظر گرفته شد (Coulombe and McKay 2003).

همچنین، در اوایل دهه ۱۹۹۰ در «اوگاندا» اعتقاد بر این بود که علت اصلی فقر در کشور، شکست دولت در اختصاص بودجه به بخش‌های سلامت و مدارس است. بنابراین، بانک جهانی یک مطالعه تحت عنوان «بررسی ردیابی هزینه‌های عمومی در سال ۱۹۹۶» انجام داد. این بررسی به دنبال این بود که آیا بودجه‌های مربوط به آموزش و بهداشت در جای خود استفاده می‌شود یا خیر. در این مورد داده‌های آماری از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ جمع‌آوری شد. نتایج این تحقیق نشان داد که فقط ۱۳ درصد از هزینه‌ها تخصیص داده شده و بقیه آن باقی مانده یا ناپدید شده و یا توسط مقامات برای اهداف دیگری صرف شده است. یافته‌های این تحقیق به طور گسترده‌ای منتشر شد و از آن پس مقامات مؤظف شدند اطلاعات مربوط به بودجه سال‌های قبل خود را به تفصیل ارائه کنند. این جریان افزایش اطلاعات عمومی باعث شکل‌گیری یک سیستم نظارت مدنی بر هزینه‌های دولت به منظور کاهش فساد و سوء مدیریت شد. بسیاری از کشورهای دیگر نیز مطالعات مشابهی را برای بهبود خدمات عمومی انجام داده‌اند (Scott 2005).

همچنین، در طول دهه ۱۹۹۰ در کشور «تایلند»، حدود شش مدل شبیه‌سازی شده از چگونگی توسعه و انتقال ایدز استفاده شده است. پیش‌بینی‌هایی که از طریق این مدل‌ها ارائه می‌شد سیاست‌های عمومی دولت را تحت تأثیر قرار داد و مبنایی را برای برنامه‌ریزی وزارت بهداشت کشور «تایلند» فراهم نمود. در کشورهای آفریقایی نیز آمارهای سازمان ملل از میزان شیوع ایدز به طوری گسترده در سیاست‌گذاری‌های عمومی در حوزه سلامت کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد (Scott 2005).

در این بخش به برخی از مطالعات پیشین در زمینه سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد اشاره شد و همچنین، بر اساس این بررسی می‌توان بیان نمود که منظور از شواهد می‌تواند مواردی نظیر آمارهای رسمی (سرشماری‌ها، آمارگیری‌های نمونه‌ای و آمارهای ثبتی)، آمارهای غیررسمی، نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاهی، نظرات کارشناسی، نتایج نظرسنجی‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها (ذهنیت‌ها) و نتایج مبتنی بر پایش‌ها و ارزیابی برنامه‌ها باشد. در اغلب مطالعات پیشین بر نقش آمار به عنوان یکی از مهم‌ترین شواهد در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها تأکید شده است که در این بخش به برخی از نمونه‌های موفق کاربرد آمار در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشورها اشاره شد.

۲-۲. مدل‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد

در ادامه به برخی از مدل‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد اشاره شده است:

۲-۱. مدل جریان‌ات سه‌گانه «کینگدام»^۱

مدل جریان‌ات سه‌گانه، یکی از چارچوب‌های نظری مشهور در مورد ارتباط آینده‌نگاری^۲ با سیاست‌گذاری می‌باشد (شکل ۱). این مدل، فرایندهای سیاست‌گذاری را به‌عنوان یک فرایند غیرخطی تعریف می‌کند. «کینگدام» سیاست‌گذاری را به‌صورت فرایندی تعریف می‌کند که تحت تأثیر جریان‌ات سه‌گانه متمایز زیر قرار دارد (Kingdom 1996):

- ◇ جریان مسئله^۳: مسائل خاص، مورد توجه سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد.
 - ◇ جریان راه حل^۴: ایده‌های سیاستی با توجه به مسائل خاص مورد توجه قرار می‌گیرد.
 - ◇ جریان اقدامات سیاسی^۵: تصمیم‌گیرندگان در مورد گزینه‌های سیاسی به بحث می‌پردازند.
- زمانی یک اقدام سیاستی بهبود می‌یابد که جریان‌ات سه‌گانه با یکدیگر همگرا شوند و این همان چیزی است که «کینگدام» آن را پنجره فرصت می‌نامد. پنجره فرصت زمانی ایجاد می‌شود که وقایع و رویدادهایی که موجب شرایط مسئله‌زا می‌شوند، با یک رویداد بهبوددهنده اقدام سیاست‌گذاران همزمان می‌شود.

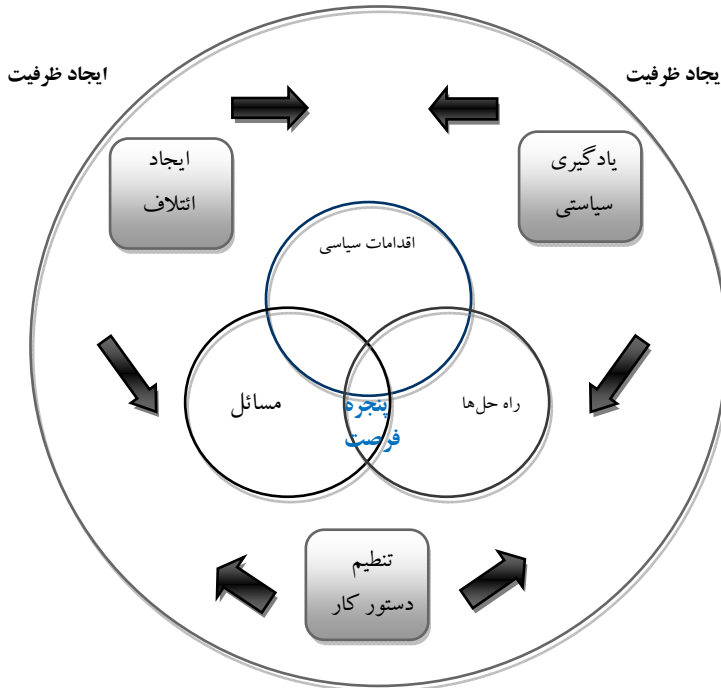
یک نقطه قوت این مدل این است که به‌قدری عمومیت دارد که می‌تواند برای بسترهای سیاست‌گذاری متعددی مورد استفاده قرار گیرد. برای نمونه، این مدل در هر دو سیستم تصمیم‌گیری از پایین به بالا یا از بالا به پایین به‌طور یکسان قابل کاربرد می‌باشد. این مدل یکی از مهم‌ترین مدل‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد قلمداد می‌شود. در این مدل ارتباط آینده‌نگاری با سیاست‌گذاری شامل بررسی چگونگی مسائل آینده‌محور است و ستاده فعالیت‌های آینده‌نگاری به‌عنوان مسائل بحرانی در جریان‌ات سیاستی تشخیص داده می‌شود. شیوه عمل در این مدل به این صورت است که ائتلاف‌هایی از حامیانی نظیر سازمان‌های سیاسی و تحقیقی، رسانه، جوامع علمی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) و افرادی با ارتباطات سیاسی می‌توانند بسیج شوند و روی یک موضوع خاص تمرکز کنند. یادگیری سیاستی که به اخذ دانش نیز معروف است در اغلب اوقات اتفاق می‌افتد و تبدیل حقایق علمی و فنی به حقایق سیاسی و اجتماعی برای ایجاد درک گسترده‌تر و حمایت از اصلاحات سیاستی دارای اهمیت فراوان می‌باشد. در این مدل، ایجاد ظرفیت با دایره‌ای حول همه لایه‌ها نشان داده شده و عنصر بسیار مهمی در فرایند تغییر سیاستی است. ایجاد ظرفیت، فراهم آوردن ابزارهایی برای

1. Kingdom
4. solutions

2. foresight
5. politics

3. problems

شرکای سطح ملی جهت ارتباط سیاسی، استفاده کارا از داده‌ها و نتایج تحقیقات را در تغییرات سیاستی و بهبود برنامه تسهیل می‌نماید (Ashford et al. 2006).



شکل ۱. مدل جریان‌های سه‌گانه «کینگ‌دام» چارچوبی تئوریک برای تبدیل دانش به اقدامات سیاسی (Ashford et al. 2006)

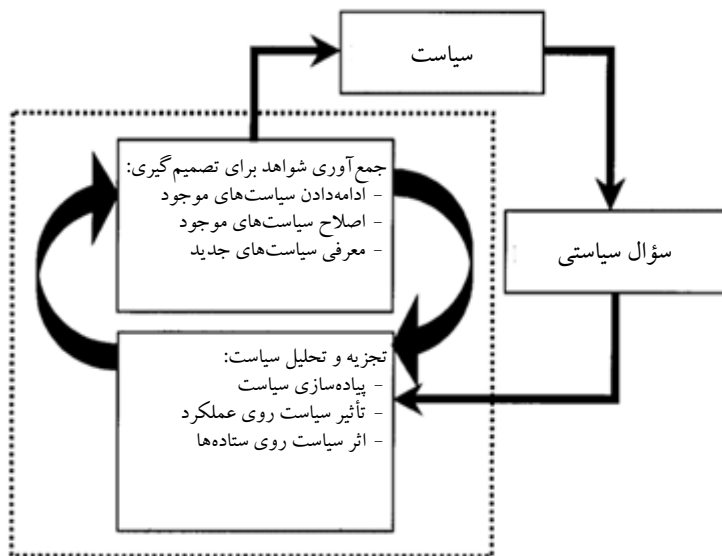
۲-۲-۲. چرخه سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد^۱

این چرخه برای تدوین سیاست بهداشت و سلامت در کشور سریلانکا مورد استفاده قرار گرفت که به صورت مفهومی در شکل شماره ۲ نشان داده شده است. این فرایند اگرچه از نظر مفهومی ساده است، ولی بر خلاف آنچه که به نظر می‌رسد ساده و مستقیم نمی‌باشد. در زیر به برخی از نتایج و پیامدهای این دیاگرام اشاره شده است (Hornby and Perera 2002):

- ◇ وجود سیستمی از اطلاعات کامل عملکرد؛
- ◇ وجود قابلیت تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات؛

1. evidence based policy-making cycle

- ◇ وجود مکانیسم‌هایی برای مشاوره؛
- ◇ وجود مالکیت سیاست‌ها؛
- ◇ انتخاب سیاست‌ها بر مبنای چشم‌اندازهای هدفمند و منطقی.



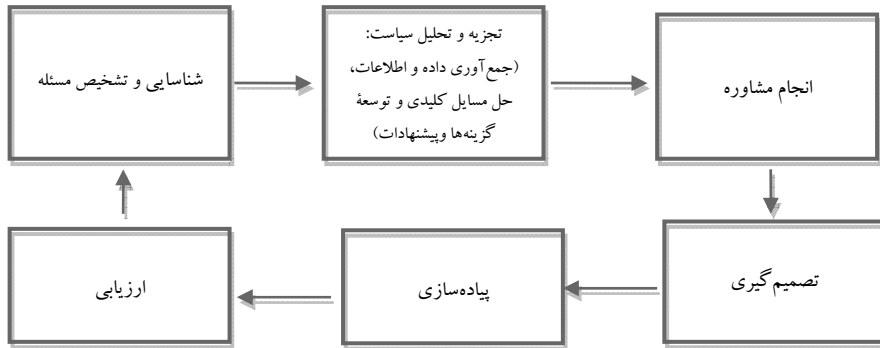
شکل ۲. چرخه توسعه سیاست مبتنی بر شواهد در سریلانکا (Hornby & Perera 2002)

۲-۳. چارچوب توسعه سیاست

این چارچوب شامل همه عناصر یک سیاست خوب است و می‌تواند برای تحقق ستاده‌های مطلوب بسیار ارزشمند باشد (شکل ۳).

در حقیقت برخی بر این باورند که اگر سیاست اصلی اصلاح شود، همه گام‌های این چارچوب باید بازنگری گردد. این دیدگاه مبتنی بر این پیش‌فرض است که تحقیق و یافته‌های آن باید در همه فازهای فرایند سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد و این به پویایی فرایند توسعه سیاست اشاره دارد که این پویایی، رقص سیاست^۱ نامیده می‌شود (Edwards 2005).

1. policy dance

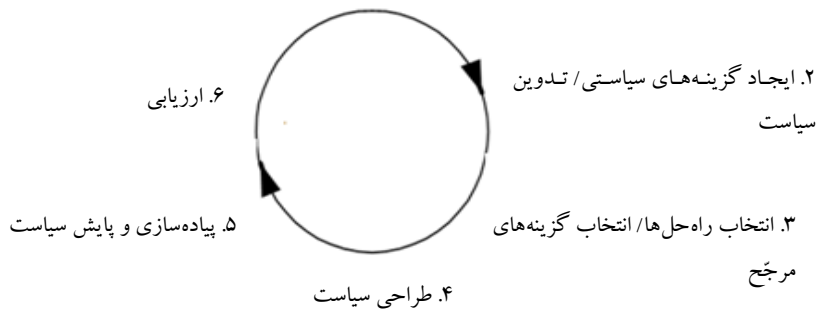


شکل ۳. چارچوب توسعه سیاست (Edwards 2005)

۲-۲-۴. چرخه سیاست

این چرخه (شکل ۴) متداول‌ترین رویکرد برای مطالعه سیاست عمومی است و فرایند سیاست‌گذاری را به تعدادی از اجزای کارکردی تفکیک می‌کند. این چرخه سیاست که در شکل زیر نشان داده شده، بر خلاف آنچه که ظاهر مدل نشان می‌دهد، بر غیرخطی و غیر چرخه‌ای بودن فرایند سیاست‌گذاری تأکید دارد و به فرایند سیاست‌گذاری بر اساس عناصر کارکردی‌اش توجه دارد (Young and Quinn 2002).

۱. تعریف مسئله / تنظیم دستور کار



شکل ۴. چرخه سیاست (Young and Quinn 2002)

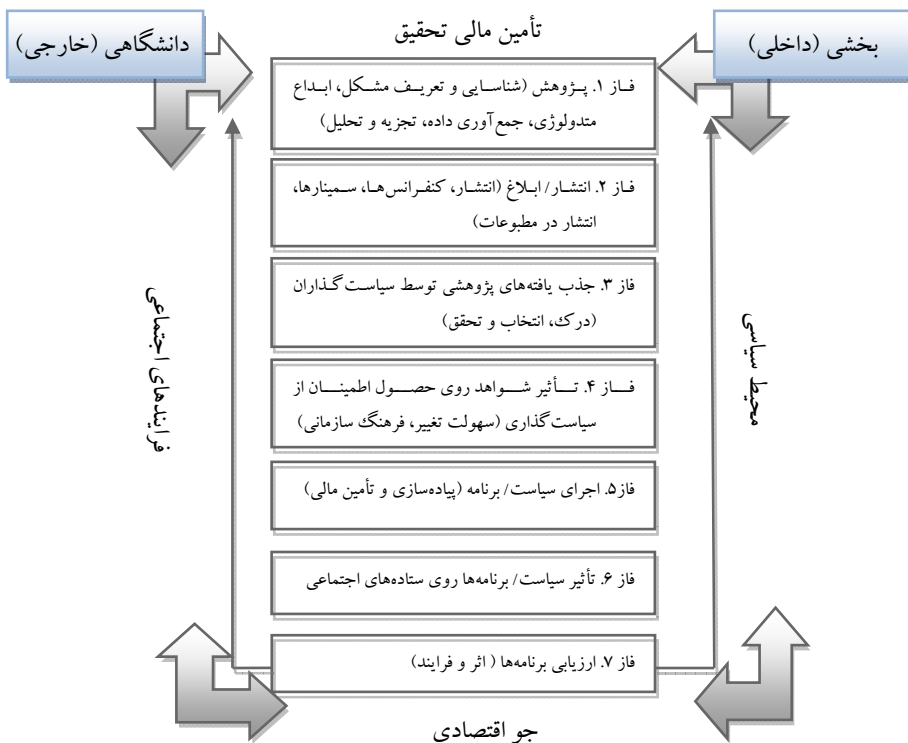
به این ترتیب، بر اساس شکل فوق گام‌های فرایند سیاست‌گذاری به شرح زیر است:
تعریف مسئله و تنظیم دستور کار سیاستی: این گام شامل آگاهی از مسئله و در اولویت قرار دادن آن است.

تدوین سیاست: این گام شامل دو اقدام کلیدی است: الف) تعیین گزینه‌های سیاستی، ب) انتخاب گزینه مرجع.

پیاپی سازی و اجرای سیاست: این گام شامل اجرای سیاست در دنیای واقعی است.
ارزیابی سیاست: این گام شامل پایش و ارزیابی فرایند سیاست‌گذاری یا اثرات یک مداخله سیاستی است.

۲-۵. فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد

قابل توجه است که مدل‌های خطی سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، در ادبیات موضوع مورد انتقاد است. لذا، به منظور برطرف نمودن این خلأ، این مدل نقش بستر (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) را مورد تأکید قرار داده است (O'Dwyer 2004).



شکل ۵. فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد (O'Dwyer 2004)

از آنجا که یکی از اهداف تحقیق حاضر ارائه چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و کشف گام‌های مختلف آن است و تاکنون چارچوب‌های مختلفی برای آینده‌نگاری توسط صاحب‌نظران ارائه شده است، در این بخش به بررسی چارچوب‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد پرداخته می‌شود. جدول ۱ به گونه‌ای خلاصه به مفاهیم اصلی به کاررفته در چارچوب‌های پنج‌گانه منتخب در این تحقیق اشاره دارد:

جدول ۱. مفاهیم اصلی به کاررفته در مطالعات منتخب تحقیق

چارچوب‌ها	شرح چارچوب‌ها	چارچوب‌ها	شرح چارچوب‌ها
چارچوب کینگدام (۱۹۹۶)	<p>◇ فرایند سیاست‌گذاری را به‌عنوان یک فرایند غیرخطی تعریف می‌کند. (۲۰۰۵)</p> <p>◇ این مدل به قدری عمومیت دارد که می‌تواند برای بسترهای سیاست‌گذاری متعددی مورد استفاده قرار گیرد.</p>	<p>◇ مبتنی بر این پیش‌فرض است که تحقیق و یافته‌های آن باید در همه فازهای فرایند سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد و این به پویایی فرایند توسعه سیاست اشاره دارد.</p> <p>◇ فازهای سیاست‌گذاری عبارت‌اند از: شناسایی و تشخیص مسئله، تجزیه و تحلیل سیاست، انجام مشاوره، تصمیم‌گیری، پیاده‌سازی و ارزیابی.</p>	<p>◇ فرایند سیاست‌گذاری را به‌صورت فرایندی تعریف می‌کند که تحت تأثیر جریان‌ات سه‌گانه متمایز جریان مسئله، جریان راه حل و جریان اقدامات سیاسی قرار دارد.</p>
چارچوب هورنباي و پورا (۲۰۰۲)	<p>◇ این چرخه برای تولید سیاست بهداشت و سلامت در کشور سریلانکا مورد استفاده قرار گرفت. (۲۰۰۲)</p> <p>◇ این چرخه با یک سؤال سیاستی آغاز شده و تجزیه و تحلیل سیاست، جمع‌آوری شواهد برای تصمیم‌گیری و در نهایت تدوین سیاست را شامل می‌شود.</p>	<p>◇ فرایند سیاست‌گذاری را به تعدادی از اجزای کارکردی تفکیک می‌کند.</p> <p>◇ بر غیرخطی و غیرچرخه‌ای بودن فرایند سیاست‌گذاری تأکید دارد و به فرایند سیاست‌گذاری بر اساس عناصر کارکردی‌اش توجه دارد.</p> <p>◇ گام‌های تدوین سیاست شامل تنظیم دستور کار، تدوین سیاست، پیاده‌سازی و ارزیابی است.</p>	<p>◇ این چرخه برای تولید سیاست بهداشت و سلامت در کشور سریلانکا مورد استفاده قرار گرفت. (۲۰۰۲)</p> <p>◇ این چرخه با یک سؤال سیاستی آغاز شده و تجزیه و تحلیل سیاست، جمع‌آوری شواهد برای تصمیم‌گیری و در نهایت تدوین سیاست را شامل می‌شود.</p>
چارچوب اودویر (۲۰۰۴)	<p>◇ این مدل نقش بستر (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) را مورد تأکید قرار داده است و از این طریق بر غیرخطی بودن فرایند سیاست‌گذاری تأکید دارد.</p> <p>◇ فازهای سیاست‌گذاری شامل تحقیق، انتشار/ابلاغ، جذب ساخته‌های تحقیقی توسط سیاست‌گذاران، تأثیر شواهد روی حصول اطمینان از سیاست‌گذاری، اجرای سیاست، تأثیر سیاست روی ستاده‌های اجتماعی و ارزیابی برنامه‌هاست.</p>	<p>◇ این مدل نقش بستر (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) را مورد تأکید قرار داده است و از این طریق بر غیرخطی بودن فرایند سیاست‌گذاری تأکید دارد.</p> <p>◇ فازهای سیاست‌گذاری شامل تحقیق، انتشار/ابلاغ، جذب ساخته‌های تحقیقی توسط سیاست‌گذاران، تأثیر شواهد روی حصول اطمینان از سیاست‌گذاری، اجرای سیاست، تأثیر سیاست روی ستاده‌های اجتماعی و ارزیابی برنامه‌هاست.</p>	<p>◇ این مدل نقش بستر (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) را مورد تأکید قرار داده است و از این طریق بر غیرخطی بودن فرایند سیاست‌گذاری تأکید دارد.</p> <p>◇ فازهای سیاست‌گذاری شامل تحقیق، انتشار/ابلاغ، جذب ساخته‌های تحقیقی توسط سیاست‌گذاران، تأثیر شواهد روی حصول اطمینان از سیاست‌گذاری، اجرای سیاست، تأثیر سیاست روی ستاده‌های اجتماعی و ارزیابی برنامه‌هاست.</p>

جدول ۱ نشان می‌دهد که بسیاری از گام‌های مطرح در مدل‌های مورد بررسی تفاسیر مشابهی دارند. به‌عنوان نمونه، گام اول در همه مدل‌ها به مورد توجه قرار دادن یک مسئله خاص اشاره دارد. گام دوم از مدل‌های «کینگدام»، «ادوارد» و «هورنبای» و همکارش به شناسایی ایده‌های سیاستی مرتبط با مسئله شناسایی شده اشاره دارد. گام‌های ۲ و ۴ از مدل «یانگ و کوین»، گام‌های ۲ و ۳ از مدل «ادوارد»، گام ۴ از مدل «هورنبای و پورا» به تبدیل خروجی‌های حاصل از فرایندهای جمعی به گزینه‌های سیاستی اشاره دارد؛ گام ۲ از مدل «هورنبای» و همکارش و گام ۶ از مدل «ادوارد» و «یانگ» به ارزیابی نتایج حاصل از فرایند سیاست‌گذاری اشاره دارد. تفاسیر این‌چنینی در خصوص گام‌های مختلف در مدل‌های منتخب می‌تواند در توسعه چارچوب یکپارچه‌ای که هدف تحقیق حاضر است و در بخش روش به آن پرداخته می‌شود، بسیار مفید باشد.

۳. روش

مقاله حاضر برای توسعه چارچوب پیشنهادی، از روش ترکیبی^۱ استفاده کرده است. «کرسول» و همکاران بیان می‌کنند که روش‌های ترکیبی شامل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه هستند که در آن، داده‌ها به‌صورت همزمان یا ترتیبی جمع‌آوری، اولویت‌دهی و در یک یا چند گام از روند پژوهش، ادغام و یکپارچه‌سازی می‌شوند (Creswell 2003). در پژوهش حاضر ترکیبی از روش کیفی فراترکیب^۲ و نیز روش پیمایش از گروه روش‌های کمی به کار گرفته شده است. رویکرد مورد استفاده در پژوهش حاضر، طرح اکتشافی ترتیبی^۳ از سری روش‌های ترکیبی است. در این طرح ابتدا داده‌های کیفی و به‌دنبال آن داده‌های کمی گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند. این طرح برای آزمون عناصر یک تئوری ظهور یافته مناسب است و همچنین، می‌تواند برای تعمیم یافته‌های کیفی به جمعیت‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. داده‌های کیفی یادشده پایه‌ای برای شناسایی متغیرهاست. طرح اکتشافی ترتیبی شامل گام‌های زیر است:

۱. گردآوری داده‌های کیفی ۲. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی ۳. گردآوری داده‌های کمی ۴. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی ۵. تفسیر کل تحلیل (Creswell et al. 2003).

بنابراین، این بخش شامل دو قسمت کیفی و کمی است.

هدف بخش کیفی مقاله، ارائه چارچوبی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد است. تاکنون

1. mixed method

2. meta synthesis

3. sequential exploratory design

مدل‌هایی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ارائه شده است. این مدل‌ها دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است، اما هیچ‌کدام جامع نیست. بنابراین، نمی‌توان تنها یکی از این مدل‌ها را ملاک قرار داد. به همین دلیل، در این پژوهش ضمن استفاده از روش فراترکیب، این مدل‌ها نیز برای استخراج یک مدل جامع به کار گرفته شده‌اند. هدف بخش کمی، اعتبارسنجی چارچوب پیشنهادی با استفاده از نظرسنجی از خبرگان است.

۳-۱. تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کیفی

فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. در نتیجه، نمونه مورد نظر برای فراترکیب از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آن با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. به عبارتی، فراترکیب، ترکیب تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعه‌های منتخب است (Zimmer 2006). در این تحقیق برای شناسایی گام‌های در خور و مناسب سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد از روش فراترکیب استفاده می‌شود. بدین منظور، این پژوهش منطبق با رویکرد هفت مرحله‌ای «نوبلت و هیر» است که شامل فازهای ۱. شروع، ۲. تصمیم دربارهٔ مواردی که مرتبط با مطالعه است، ۳. خواندن مطالعات، ۴. تعیین ارتباط مطالعات با یکدیگر، ۵. ترجمه و تبدیل مطالعات به یکدیگر، ۶. ترکیب ترجمه‌ها و ۷. بیان کردن و شرح و تلفیق و ترکیب می‌باشد (Noblit and Hare 1988). هفت مرحله «نوبلت و هیر» را می‌توان به سه مرحله اصلی تفکیک نمود که عبارت‌اند از: جمع‌آوری و بررسی یافته‌ها، شناسایی ارتباط بین بررسی‌های انجام‌شده و تلخیص نتایج و ترکیب داده‌ها و معرفی مدل جدید. در گام اول که انتخاب مطالعه است، پژوهش‌های مورد نظر شناسایی شده و مقالاتی که با موضوع مرتبط هستند، انتخاب می‌شوند. در گام جمع‌آوری و بررسی یافته‌ها، ابتدا مطالعات گردآوری شده و تعیین می‌شوند که چطور با هم مرتبط هستند. در گام دوم، شناسایی ارتباط بین بررسی‌های انجام‌شده، مطالعات بر پایهٔ یک رویکرد جامع با هم ترجمه می‌شوند. در گام آخر، تلخیص نتایج و ترکیب داده‌ها و معرفی مدل جدید، استعارهٔ جدید که همان گام‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد است، با توضیحات کامل برای درک بهتر ارائه می‌شود.

این بخش به دنبال توسعهٔ یک مدل جامع و یکپارچه و در خور و مناسب برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد است. استخراج این مدل بر مبنای ۵ مدل منتخب و با استفاده از مراحل سه‌گانهٔ روش فراترکیب می‌باشد. مدل‌های پنج‌گانهٔ مورد بررسی عبارت‌اند از: مدل جریان‌ات سه‌گانهٔ «کینگدام»، چرخهٔ سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد «هورنی و پیرا»، چارچوب توسعهٔ سیاست

«ادوراد»، چرخه سیاست «یانگ و کوینیو»، و فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد «اودویر». مراحل مختلف ۵ مدل انتخاب شده مطابق جدول ۲ ارائه شده است. در این جدول، مراحل مختلف مدل‌ها و فعالیت‌هایی که ذیل هر کدام از این مراحل انجام می‌شود، به‌منظور استفاده بعدی کدبندی شده است. به‌عنوان مثال، M₂₂ به مفهوم مرحله دوم از مدل شماره ۲ است و A₁₂ به مفهوم فعالیت دوم از مدل شماره ۱ است.

جدول ۲. استخراج گام‌های مدل سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد

چارجوب‌ها	گام‌های مدل سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد
Kingdom 1996	<p>M₁₁ جریان مسئله M₁₂ جریان راه حل‌ها M₁₃ جریان اقدامات سیاسی</p> <p>- شناسایی و اولویت‌دادن - مورد توجه قراردادن ایده‌های سیاسی مرتبط با مسئله (A11) - مورد توجه قراردادن ایده‌های سیاسی مرتبط با مسئله (A12) - بحث در مورد گزینه‌های سیاسی (A13)</p>
Hornby & perera 2002	<p>M₂₁ سؤال سیاستی M₂₂ تجزیه و تحلیل سیاست M₂₃ جمع‌آوری شواهد برای تصمیم‌گیری M₂₄ توسعه سیاست</p> <p>- درک مسئله و مشکل مرتبط با سیاست (A21) - بررسی میزان پناده‌سازی (A22) - یادگیری و درس گرفتن از تجربیات تحقیقی (A25) - جلسات گروه راهبردی (A28) - بررسی تأثیر سیاست روی عملکرد (A23) - شناسایی ادبیات ملی و بین‌المللی مرتبط (A26) - مشاوره با ذینفعان (A29) - بررسی اثر سیاست روی سندها (A24) - شناسایی مسائل اولویت‌دار در سیاست و راهبرد (A27) - تبدیل یافته‌ها و شواهد به گزینه‌های سیاستی (A2,10) - اتخاذ رسمی یک راه حل سیاسی (A2,11)</p>
Edwards 2005	<p>M₃₁ تشخیص مسئله M₃₂ تجزیه و تحلیل سیاست M₃₃ انجام مشاوره M₃₄ تصمیم‌گیری M₄₅ پیاده‌سازی M₄₆ ارزیابی</p> <p>- شناسایی و تفصیل مسئله و مشکل (A31) - جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات (A32) - برگزاری جلسات رسمی با کمیته راهبردی و جلسات عمومی (A35) - بررسی گزینه‌های سیاستی - نوشتن اسناد راهنما (A37) - مشاوره با ذینفعان (A38) - امکان‌پذیر بودن آن (A3,11) - حل مسائل کلیدی (A33) - توسعه گزینه‌ها و پیشنهادها (A34) - ارزیابی (A36) - صدور کمک‌های مالی (A39) - بررسی قابلیت ابلاغ آن (A3,12) - حمایت‌پذیری (A3,13)</p>
Young & Quinn 2002	<p>M₄₁ تعریف مسئله / تنظیم دستور کار M₄₂ انتخاب گزینه‌های سیاستی / تدوین سیاست M₄₃ انتخاب راه حل‌ها / انتخاب گزینه‌های سیاستی مرجع M₄₄ طراحی سیاست M₄₅ پیاده‌سازی و پایش M₄₆ ارزیابی</p> <p>- تمرکز و توجه عمومی روی مسئله یا مشکل عمومی (A41) - به‌ازای هر مسئله گزینه‌های سیاستی واقعی شناسایی می‌شوند. (A42) - استدلال مربوط به گزینه‌ها مشخص می‌شوند. (A43) - گزینه‌هایی که سازگاری بیشتری با اهداف، اصول و ارزش‌های ما دارند انتخاب می‌شوند. (A44) - تحقیق (A45) - جمع‌آوری داده (A46) - جلسات گروه راهبردی (A47) - مشاوره غیررسمی با ذینفعان (A48) - توجه به شواهد و مستندات فرایند (A49) - مشاوره با بخش مالی (A4,10) - اتخاذ رسمی یک راه حل سیاستی (A4,11)</p>
O'Dwyer 2004	<p>M51 تحقیق M52 انتشار / ابلاغ M53 جذب یافته‌های تحقیقی توسط سیاست‌گذاران M54 تأثیر شواهد روی اطمینان از سیاست‌گذار M55 اجرای سیاست M56 تأثیر روی سندها M57 ارزیابی</p> <p>- شناسایی و تعریف مشکل (A51) - چاپ در مجلات (A55) - درک کردن (A59) - تسهیل تغییرات (A51,14) - پیاده‌سازی (A5,14) - بررسی اثرات سیاست‌ها روی عملکرد (A5,17) - کنفرانس‌ها (A56) - انتخاب (A5,10) - تأمین مالی (A5,15) - تأثیر (A5,16) - ابداع متدولوژی (A52) - کفرانس‌ها (A57) - تحقیق‌بخشیدن (A5,11) - جهت‌دهی به فرهنگ سازمانی (A5,13) - سندهای اجتماعی (A5,16) - جمع‌آوری داده‌ها (A53) - انتشار در مطبوعات (A58) - ارزیابی فرایند (A5,18) - تجزیه و تحلیل (A54) - انتشار در مطبوعات (A58)</p>

در گام بعد مؤلفه‌های هم‌ارز در هر یک از مدل‌های مختلف شناسایی شده و مطابق جدول ۳ در یک گروه قرار داده شده است. برای نمونه، گام ۱ از مدل اول (M_{11})، گام ۱ از مدل ۳ (M_{31})، گام ۱ از مدل ۴ (M_{41}) و گام ۱ از مدل ۵ (M_{51}) هم‌ارز بوده و به شناسایی و تشخیص مسئله اشاره دارد و فعالیت‌های هم‌ارزی که ذیل این گام قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: فعالیت ۱ از مدل ۱ (A_{11})، فعالیت اول از مدل ۳ (A_{13})، فعالیت اول از مدل ۵ (A_{51})، فعالیت دوم از مدل ۵ (A_{52})، فعالیت سوم از مدل ۵ (A_{53}) و فعالیت چهارم از مدل ۵ (A_{54}).

جدول ۳. ترکیب مؤلفه‌های هم‌ارز در مدل‌های بررسی شده

گام‌های شناسایی شده	گام‌های مشابه در سایر مدل‌های منتخب	فعالیت‌های هم‌ارز ذیل گام‌های مختلف از مدل‌های منتخب
شناسایی و تشخیص مسئله	M51- M41- M31-M11	A54- A53- A52- A51- A41- A31- A11
جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند طراحی برنامه	- M53- M52- M32- M22 M12-M32	- A57- A56- A55- A32- A26- A25-A24 - A12- A34 - A5,11- A5,10- A59-A58 A33-A32
مشاوره سیاستی و پیش‌بینی آینده	- M33- M32- M23-M13 M44-M42	- A42- A35- A28- A27- A34- A29-A13 A4,10- A48- A47-A43
تعریف و پیاده‌سازی سیاست	- M43- M35- M34- M23 M55- M45-M44	- A44- A39- A38- A37- A36-A2,10 - A3,10- A5,15- A5,14- A4,12-A4,11 A3,12, A4,13-A3,11
ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاست	- M46- M36- M24-M21 M56-M57	- A5,17- A5,16- A2,11-A23-A22-A21 A5,18

به این ترتیب، بر اساس نتایج تحلیل‌های صورت گرفته در جدول ۳، گام‌های نهایی مدل سیاست‌گذاری به شرح زیر است:

گام ۱. شناسایی و تشخیص مسئله: مسائل خاص مورد توجه سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد و به آن‌ها اولویت داده می‌شود.

گام ۲. جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند طراحی برنامه: اخذ خروجی‌های تولیدشده از فرایند آینده‌نگاری اعم از: محصولات مستقیم نظیر لیست اولویت‌ها و برنامه‌های اقدام و محصولات غیرمستقیم نظیر سناریوهای توسعه آینده، نقشه‌های راه آینده‌های ممکن، لیست فناوری‌های کلیدی و چشم‌اندازهای آینده‌های مطلوب.

گام ۳. پیش‌بینی آینده، مشاوره سیاستی و تدوین سیاست: تبدیل هوش پیش‌بینی یا نتایج حاصل از فرایندهای جمعی به گزینه‌های سیاستی قابل تعریف به‌طور مشترک با سیاست‌گذاران مسئول حوزه سیاستی مورد توجه.

گام ۴. تعریف و پیاده‌سازی سیاست: استقرار رویه‌ها، نوشتن اسناد راهنما یا صدور کمک‌های مالی برای آغاز به کار سیاست‌گذاری. در این فاز فعالیت‌ها می‌توانند با بدنه‌های مختلف سیاست‌گذاری و همچنین سایر سازمان‌ها و شرکت‌ها انطباق پیدا کنند.

گام ۵. ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاست: برای تعیین اینکه آیا سیاست مسئله را مورد توجه قرار داده یا خیر و آیا سیاست به خوبی پیاده شده است یا خیر، ممکن است نیاز به بازنگری در دستور کار، تدوین سیاست، و یا پیاده‌سازی آن باشد.

به این ترتیب، و به‌منظور استفاده و بهره‌مندی ایشان گام‌های مختلف سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و فعالیت‌های مطرح ذیل هر کدام از این گام‌ها به شرح جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. گام‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد

گام‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد	فعالیت‌های ذیل هر گام
گام ۱. شناسایی و تشخیص مسئله	۱. شناسایی و اولویت‌دادن به مسائل خاص ۲. ابداع متدولوژی ۳. جمع‌آوری داده‌ها ۴. تجزیه و تحلیل
گام ۲. جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند طراحی برنامه	۱. یادگیری و درس‌گرفتن از تجربیات تحقیقی ۲. شناسایی ادبیات ملی و بین‌المللی مرتبط ۳. شناسایی مسائل اولویت‌دار در سیاست و راهبرد ۴. استفاده از داده‌ها و اطلاعات مجلات، کنفرانس، سمینار و مطبوعات ۵. درک داده‌ها و اطلاعات ۶. انتخاب داده‌های مرتبط ۷. تحقق‌بخشیدن
گام ۳. پیش‌بینی آینده، مشاوره سیاستی و تدوین سیاست	۱. جلسات گروه راهبردی ۲. مشاوره با ذینفعان ۳. مشاوره با بخش مالی ۴. تبدیل یافته‌ها و شواهد به گزینه‌های سیاستی ۵. بحث در مورد گزینه‌های سیاسی توسط سیاست‌گذاران ۶. به‌ازای هر مسئله گزینه‌های سیاستی واقعی شناسایی می‌شوند. ۷. استدلال مربوط به گزینه‌ها مشخص می‌شوند

مبتنی بر شواهد	گام‌های سیاست‌گذاری	فعالیت‌های ذیل هر گام
گام ۴. تعریف و پیاده‌سازی سیاست	۱. بررسی گزینه‌های سیاستی (از لحاظ مشروعیت، امکان‌پذیر بودن، قابلیت ابلاغ و حمایت‌پذیری)	۲. گزینه‌ای که سازگاری بیشتری با اهداف، اصول و ارزش‌های ما دارد به‌عنوان راه حل مرجح انتخاب می‌شود.
	۳. استقرار رویه‌ها	۴. نوشتن اسناد راهنما
	۵. صدور کمک‌های مالی	
گام ۵. ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاست	۱. بررسی میزان پیاده‌سازی	۲. بررسی تأثیر سیاست روی عملکرد
	۳. بررسی اثر سیاست روی ستاده‌ها	۴. ارزیابی فرایند

۳-۲. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی

نحوه اعتبارسنجی چارچوب یادشده در بخش پیش (جدول ۴) بر مبنای روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و نظرسنجی از خبرگان حوزه سیاست‌گذاری انجام شد. پرسشنامه پژوهش، شامل ۲۷ گویه روی طیف ۵ تایی «لیکرت» بود. جامعه آماری پژوهش، نخبگانی بودند که آگاهی، خبرگی، سابقه اجرایی یا تخصص لازم در زمینه سیاست‌گذاری به‌ویژه سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری را در سطح ملی داشتند. در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری گلوله برفی با تعداد ۱۵ نفر خبره استفاده شد. این روش، یک روش غیراحتمالاتی است و در مواقعی به کار می‌رود که شناختی از کل جامعه آماری وجود ندارد و چارچوب نمونه‌گیری مشخص نیست و از شرکت‌کنندگان برای معرفی سایر افراد دارای اطلاعات استفاده می‌شود. پرسشنامه تهیه شده میان ۴۰ نفر از خبرگان سیاست‌گذاری در مراکز آموزشی و پژوهشی مرتبط اعم از دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم و فنون دانشگاه تهران، مرکز آینده‌پژوهی دانشگاه تهران، دانشگاه امام خمینی، دانشگاه مالک اشتر، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی و دانشگاه امیرکبیر توزیع شد. در نهایت، تعداد ۱۵ پرسشنامه تکمیل شده، داده‌های قابل بررسی این مطالعه را تشکیل دادند. در جدول ۵ اطلاعات جمعیت‌شناختی ذکر شده است.

جدول ۵. اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان

فراوانی خبرگان از نظر رشته تحصیلی	مدیریت: ۳ نفر مهندسی صنایع: ۱ نفر سیاست‌گذاری علم و فناوری: ۹ نفر آینده‌پژوهی: ۲ نفر	فراوانی خبرگان از نظر جنسیت	زن: ۱ نفر مرد: ۱۴ نفر
فراوانی خبرگان از نظر رتبه علمی	دکتری با مرتبه استادیار: ۵ نفر دکتری با مرتبه دانشیار: ۶ نفر دانشجوی دکتری: ۴ نفر	فراوانی خبرگان از نظر سابقه در سیاست‌گذاری	۱ تا ۵ سال سابقه: ۴ نفر ۵ تا ۱۰ سال سابقه: ۹ نفر ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه: ۲ نفر

برای تعیین پایایی پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر محاسبه‌شده در جدول ۶ درج شده است.

جدول ۶. مقادیر محاسبه‌شده ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مختلف پرسشنامه

نوع سؤال	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
سؤالات مربوط به گام شناسایی و تشخیص مسئله	۴	۰/۸۲
سؤالات مربوط به گام جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند طراحی برنامه	۷	۰/۸۵
سؤالات مربوط به گام مشاوره سیاستی پیش‌بینی آینده	۷	۰/۷۹
سؤالات مربوط به تعریف و پیاده‌سازی سیاست	۵	۰/۸۳
سؤالات مربوط به ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاست	۴	۰/۸۸
کل سؤالات	۲۷	۰/۷۶

همان‌گونه که اعداد محاسبه‌شده در جدول ۶ نشان می‌دهد، ضرایب آلفای کرونباخ برای همه بخش‌های پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایاب بودن پرسشنامه است. سنجش روایی در این تحقیق از نوع روایی محتوا بررسی می‌کند که تا چه اندازه محتوای ابزار اندازه‌گیری نماینده حوزه مورد ارزیابی است، ذهنی است، و به داوری (قضاوت) مربوط می‌شود و شخص به تنهایی یا همراه با دیگران درباره معرف بودن گویه‌ها قضاوت می‌کند. بدین ترتیب، بررسی روایی محتوا، از طریق ارزیابی دقیق و گسترده پیشینه تحقیق انجام شد و همچنین، مؤلفه‌ها و گویه‌های به دست آمده با شش نفر از خبرگان در زمینه سیاست‌گذاری به بحث گذاشته شد تا اصلاحاتی اعمال گردد که از نظر خبرگان کلیه گویه‌های تحقیق معرف بودند.

برای تأیید و رد گام‌های چارچوب پیشنهادی تحقیق از آزمون دوجمله‌ای ($\text{sign-level} = 0.05, \text{cut point}$) با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. جدول ۷ نشان‌دهنده نتایج این آزمون است.

جدول ۷. نتایج آزمون داده‌های کمی (سطح معناداری ۰/۰۵)

گام های چارچوب پیشنهادی	گروه‌ها	طبقه‌ها	تعداد	درصد مشاهدات	نقطه برش آزمون	سطح معناداری	تأیید/رد
گام شناسایی و تشخیص مسئله	۱	≤ 3	۱	۰/۰۷	۰/۵	۰/۰۰۱	تأیید
	۲	> 3	۱۴	۰/۹۳			
گام جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند سیاست‌گذاری	کل		۱۵	۱			
	۱	≤ 3	۲	۰/۱۳	۰/۵	۰/۰۰۷	تأیید
	۲	> 3	۱۳	۰/۸۷			
کل		۱۵	۱				
پیش‌بینی آینده، مشاوره سیاستی و تدوین سیاست	۱	≤ 3	۲	۰/۱۳	۰/۵	۰/۰۰۷	تأیید
	۲	> 3	۱۳	۰/۸۷			
	کل		۱۵	۱			
گام تعریف و پیاده‌سازی سیاست	۲	> 3	۱۵	۱	۰/۵	۰/۰۰۰	تأیید
	کل		۱۵	۱			
گام ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاست	۱	≤ 3	۳	۰/۲۰	۰/۵	۰/۰۳۵	تأیید
	۲	> 3	۱۲	۰/۸۰			
	کل		۱۵	۱			

مطابق جدول ۷ ارزش‌های ستون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و فراوانی مشاهده‌ها برای طبقه > 3 به‌ازای همه گام‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد بیشتر است. بنابراین، نتایج این گام‌ها را با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌کند. به این ترتیب، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد دارای گام‌هایی چون شناسایی و تشخیص مسئله، جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند طراحی برنامه، مشاوره سیاستی و پیش‌بینی آینده، تعریف و پیاده‌سازی سیاست و در نهایت، ارزیابی و تجزیه و تحلیل سیاست است، پذیرفته می‌شود.

۴. تفسیر نقش آمار در گام‌های مختلف چارچوب پیشنهادی

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، مطابق تحلیل‌های انجام‌شده در بخش کیفی و کمی تحقیق، گام‌های یک فرایند سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد عبارت‌اند از: شناسایی و تشخیص مسئله، جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند سیاست‌گذاری، پیش‌بینی آینده، مشاوره سیاستی و تدوین سیاست، پیاده‌سازی سیاست و ارزیابی سیاست. در ادامه، به کاربرد شواهد و به‌طور ویژه نقش آمار و اطلاعات در هر کدام از گام‌های شناسایی‌شده برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد پرداخته می‌شود.

۴-۱. گام اول: شناسایی و تشخیص مسئله

این گام، اولین گام از فرایند تدوین سیاست است و زمانی آغاز می‌شود که آمار و اطلاعات برخی از جنبه‌های زندگی اقتصادی یا اجتماعی نظیر مسئله فقر، تورم، آلودگی هوا، بیکاری، سلامت و غیره را که تا آن موقع از دید عموم و سیاست‌گذاران پنهان مانده بود، آشکار می‌سازد. به محض اینکه این آمار و اطلاعات آشکار شود، گروه‌های مختلفی نظیر کارمندان دولت، سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات و رسانه‌ها برای شناسایی یک مسئله سیاستی آمادگی می‌یابند. سرشماری^۱ و پیمایش^۲ به تشخیص مسائل و مشکلات عمومی جدید کمک می‌کند. شناسایی فقر منطقه‌ای در کشور «غنا» نمونه‌ای از نقش سرشماری و پیمایش در تشخیص مسائل عمومی است. این مثال نشان می‌دهد که چگونه نتایج تحقیق و پیمایش، سیاست‌گذاران را ملزم به تشریح روندهای فقر در سراسر مناطق مختلف می‌کند و منجر به گنجاندن اهداف کاهش فقر منطقه‌ای در راهبردهای تدوین‌شده در زمینه کاهش فقر می‌شود. سرشماری نفوس و مسکن، اطلاعات ضروری را در مورد چگونگی شرایط مسکن، میزان درآمد و دارایی‌های مردم در بخش‌های مختلف جغرافیایی ارائه می‌کند. همچنین، اطلاعات آماری جامع نیز می‌تواند در شناسایی مسائل مربوط به حوزه سلامت کمک کند. برای مثال، مشکل بیکاری فارغ‌التحصیلان پزشکی موضوع جدیدی نیست، اما دقت و صحت آماری که در پژوهش‌های مختلف مطرح می‌شود قادر است ذهن سیاست‌گذاران را به این موضوع جلب کند. توجه به بیکاری فارغ‌التحصیلان یک مسئله جدید نیست، اما فقدان داده‌های صحیح، دقیق، و معتبر در این رابطه سبب درک غلط دولت و ایجاد مشکل در زمینه تعیین سیاست‌ها و تدوین برنامه‌ها می‌شود. در کل، شناسایی مهم‌ترین مسائل هر حوزه مستلزم دیده‌بانی آن حوزه است. دیده‌بانی حوزه، در واقع، رصد نظام‌مند و مستمر شرایط و

1. census

2. survey

مسائل مربوط به سلامت همه مردم و علوم مرتبط در پهنه جغرافیایی مورد نظر است، به طوری که از نتایج آن در سیاست، برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرا به خوبی استفاده شود. به این ترتیب، در این گام نقش آمار و اطلاعات را می توان به صورت زیر تعریف کرد: کاربرد آمار در این گام یعنی، دانش عملی که به منظور هدایت سیاست گذاران به سمت تمرکز بر روی موضوعات اساسی و مؤثر در جامعه مورد استفاده قرار می گیرد. سیاست گذاری مبتنی بر شواهد چیزی فراتر از یک تنظیم دستور کار^۱ است. در واقع، این رویکرد تلاش می کند موضوعات کلیدی را مطرح سازد و عرصه اصلی موضوع و مسئله ملی را مشخص نماید و به ساخت و ارائه راه حل هایی که در خدمت منافع ملی است، بپردازد. به همین دلیل، در ادامه به نقش آمار و اطلاعات در سایر گام های سیاست گذاری پرداخته می شود.

۴-۲. گام دوم: جمع آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند سیاست گذاری

به محض اینکه مسئله شناسایی شد، گام بعدی انجام برخی تجزیه و تحلیل هاست، به گونه ای که حد و ماهیت مسئله و مشکل شناسایی گردد. این درک، پایه و مبنایی را برای توصیه های سیاستی فراهم می نماید. آمار و رویه های آماری می تواند به سه شیوه به این گام کمک نماید:

الف - ترسیم چشم انداز فیزیکی و اقتصادی

داده های دقیق و صحیح در اغلب مداخلات سیاستی مهم ترین نیاز است و این، به ویژه در برنامه هایی با هدف تعیین مکان پروژه های کاری دولتی جهت کاهش فقر و آسیب، دارای اهمیت است. روش های مختلفی برای ترسیم و نگاشت برای تحقق این هدف وجود دارد. به عنوان مثال، برنامه جهانی غذا (WFP) از تجزیه و تحلیل و نگاشت فقر و انواع داده ها و اطلاعاتی نظیر کمبود غذا، فقر، جمعیت و بلاهای طبیعی جهت انتخاب مکان پروژه ها استفاده می کند.

ب- جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها برای پیش طراحی سیاست

در این مرحله، مطالعات و تحلیل های امکان سنجی در خصوص سیاست مورد نظر قبل از طراحی آن انجام می شود. برای نمونه، تجزیه و تحلیل اثربخشی هزینه به منظور کمک به انتخاب پروژه های سرمایه گذاری برای سال های متمادی توسط اقتصاددانان در بخش دولتی مورد استفاده قرار گرفته است. لذا، وجود آمار و اطلاعات اقتصادی دقیق در این مرحله کارساز است.

ج- انتخاب تصادفی برای مرحله پیاده سازی سیاست

به محض اینکه برنامه ای تأیید شد، محدودیت های مالی و اداری ممکن است از پیاده سازی

1. agenda-setting

آن در گستره ملی جلوگیری نماید. یک معیار برای تعیین اینکه یک حوزه مشخص چه موقع وارد برنامه سیاستی شود، انتخابی تصادفی است. بنابراین، نیمی از کشور ممکن است در سال اول و نیم دیگر ممکن است دو سال دیگر انتخاب گردد. استفاده از شیوه انتخاب تصادفی، یک گروه کنترل (حوزه‌هایی که در برنامه پوشش داده نمی‌شوند) ایجاد می‌کند که با گروه تیمار (حوزه‌هایی که در برنامه وارد می‌شوند) مقایسه می‌شود و این عمل تا زمانی که برنامه به پوشش ملی می‌رسد، ادامه می‌یابد. این شیوه امکان ارزیابی اثرات برنامه را به‌طور سالیانه فراهم می‌نماید.

۳-۴. گام سوم: پیش‌بینی آینده، مشاوره سیاستی و تدوین سیاست

در مواردی سیاست‌گذاران به متدهای تجزیه و تحلیل رسمی‌تر برای کمک به تحقق تصمیم‌گیری‌ها نیاز دارند. ارزش این فعالیت‌های مدل‌سازی به‌وسیله کیفیت و کمیت اطلاعات موجود تحت تأثیر قرار می‌گیرد. پیش‌بینی آینده از جمله این شیوه‌هاست. از آنجا که پیش‌بینی منوط به عدم اطمینان است، فقدان زمان و آمار و اطلاعات دقیق سبب خطرناک شدن چنین فعالیت‌هایی می‌شود. زمانی که دولت نسبت به تحقق اهدافی در آینده متعهد می‌شود، مدل‌های پیش‌بینی امکان ارزیابی امکان‌پذیر بودن این اهداف را برای ما فراهم می‌نمایند. اغلب کشورها آمار و اطلاعات لازم جهت حرکت به سمت توسعه‌های هزاره را ندارند. این، در حالی است که وجود آمار و اطلاعات مناسب می‌تواند به پیش‌بینی آینده کمک نماید. برای نمونه، جدول‌های داده-ستاده می‌تواند برای پیش‌بینی اقتصادی مورد استفاده قرار بگیرد و نیز داده‌های مربوط به سرشماری جمعیت برای طرح‌ریزی جمعیت، آموزش و پرورش و بهداشت و سلامت دارای اهمیت است. در رابطه با بهداشت و سلامت، زمانی که یک کشور به‌وسیله بیماری‌های جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد، پیش‌بینی بسیار اهمیت می‌یابد، زیرا دولت نیازمند دانستن سرعت انتشار در میان جمعیت است تا اقدامات پیشگیری لازم را بتواند طرح‌ریزی نماید. نتایج این پیش‌بینی‌ها منجر به پیش‌نویس سیاست می‌شود که این پیش‌نویس در قالب میزگردها و جلسات رسمی توسط متخصصان مورد موشکافی و نقد و بررسی قرار می‌گیرد. در ادبیات مربوط به سیاست‌گذاری عمومی این مرحله با عنوان گفتمان سیاست^۱ شناخته می‌شود. طی این گفتمان‌ها نظرخواهی از گروه متخصصان موضوعی توسط تدوین‌کننده سند سیاستی انجام می‌شود. در این گفتمان‌ها باید گزینه‌های سیاستی و سناریوهای مختلف مطرح شوند و پابرجایی آنها با توجه به ویژگی‌های هر یک از سناریوها محک بخورد. در نهایت، سیاست‌گذاران پس از بررسی پیش‌نویس، نظر خود را به‌صورت تصویب، رد، یا اصلاح بیان می‌کنند.

۴-۴. گام چهارم: پیاده‌سازی سیاست

به محض اینکه اجرای سیاست‌ها آغاز شد، سیاست‌گذاران برای پیش‌رویی‌ها، خروجی‌ها و ستاده‌های مرتبط با سیاست‌ها نیازمند اطلاعات هستند. برخی از اطلاعات در فواصل مکرر در دسترس است، نظیر داده‌های اداری که اغلب به صورت ماهانه یا سه ماه یکبار گردآوری می‌شوند. برخی از داده‌ها نظیر داده‌های پیمایشی هر سه یا پنج سال یکبار و برخی دیگر از داده‌ها نظیر داده‌های مربوط به سرشماری جمعیت هر ۱۰ سال یکبار گردآوری می‌شوند.

پایش دقیق، شاخص‌های کلیدی را برای انحراف از مسیر ارائه می‌کند و بررسی‌های منجر به تغییر سیاست را بهبود می‌بخشد. فقدان داده‌ها و اطلاعات مناسب در مورد روندها یک مانع جدی برای پیاده‌سازی استراتژی‌های هدف‌محور است.

۴-۵. گام پنجم: ارزیابی سیاست

برای انجام ارزیابی، غالباً از شاخص‌ها به‌عنوان بخشی از این فرایند استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، شاخص کمک می‌کند که عملکرد را ارزیابی نمائیم. یک شاخص ممکن است یک مقدار ساده از یک واقعه باش؛ برای مثال، تعداد موارد واکسیناسیون انجام‌شده طی دوره زمانی مشخص «یا مقادیری که بر اساس منابع اطلاعاتی متعدد به دست آمده است» مثلاً نسبت کودکانی که قبل از سن یک سالگی به‌طور کامل واکسینه شده‌اند. تشخیص تغییرات منتج از یک سیاست نیازمند مقایسه افراد یا گروه‌هایی است که در معرض آن سیاست بوده‌اند با آن‌هایی که در معرض آن سیاست نبوده‌اند. این امر از طریق مطالعات تصادفی^۱ قابل انجام است. اما گاهی مطالعات تصادفی امکان‌پذیر نیست. در این صورت، از راه‌های دیگری مانند مقایسه تغییرات قبل و بعد از انجام برنامه^۲ و مشاهده تغییرات در خلال دوره زمانی مشابه در مناطقی که این برنامه یا خط‌مشی را دریافت نکرده‌اند و یا از طریق سری مطالعات منقطع زمانی^۳ که در آن داده‌ها از نقاط زمانی متعدد، قبل از اجرا، طی اجرای خط‌مشی و بعد از اجرای سیاست جمع‌آوری می‌شوند، می‌توان استفاده کرد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه تعریف شواهد، تمایز بین انواع آن، ارائه چارچوبی جامع برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و روشن ساختن این مسئله است که چگونه می‌توان شواهد تجربی و به‌طور ویژه آمار و اطلاعات را در زنجیره برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری تلفیق کرد. علت تأکید بر

1. randomised trials

2. before-after evaluation

3. interrupted time-series

آمار و اطلاعات در تحقیق حاضر به دلیل اهمیت ویژه آن نسبت به سایر شواهد است. دولت‌ها، جامعه و نظام بین‌المللی نیازمند داشتن آمار مناسب هستند. استفاده مناسب از آمار منجر به سیاست بهتر و ستاده‌های توسعه می‌شود. آمار مناسب نقش مهمی در سیاست‌گذاری خوب ایفا می‌کند و همچنین، اثر سیاستی به وسیله آمار مناسب ارزیابی می‌شود. آمار مناسب پایه و مبنایی را برای سیاست‌گذاری خوب فراهم می‌کند و در مواجهه با مسائل پیچیده به دولت‌ها در شناسایی بهترین مسیرهای اقدام کمک می‌نماید. آمار مناسب و دقیق مهم‌ترین جز حاکمیت خوب است. آنها همچنین، پایه و مبنای دقیقی برای طراحی، مدیریت، پایش و ارزیابی چارچوب‌های سیاست ملی فراهم می‌کنند. بنابراین، آمار مناسب بخشی از توانمندسازی محیط برای توسعه است. آنها داده‌ها، ستاده‌ها و اثرات را ارزیابی می‌کنند و ارزیابی‌های معتبری از شاخص‌های کلیدی اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورند و همه جنبه‌های توسعه از ارزیابی‌های ستاده اقتصادی و تورم قیمت گرفته تا رفاه افراد را پوشش می‌دهند. در تحقیق حاضر ابتدا از طریقی مروری بر چند مدل سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد تلاش شد تا با استفاده از روش کیفی فراترکیب یک چارچوب جامع فرایندی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد پیشنهاد شود و سپس، برای اعتبارسنجی این چارچوب پیشنهادی پرسشنامه‌ای طراحی شد و در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان حوزه سیاست‌گذاری قرار گرفت تا در مورد میزان اعتبار این چارچوب نظرات خود را اعلام دارند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه دلالت بر تأیید چارچوب پیشنهادی تحقیق داشته و به این ترتیب، گام‌های سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد بر اساس نتایج این تحقیق عبارت‌اند از: شناسایی و تشخیص مسئله، جمع‌آوری شواهد و تغذیه اطلاعاتی فرایند سیاست‌گذاری، پیش‌بینی آینده، تدوین سیاست و مشاوره سیاستی، پیاده‌سازی سیاست و ارزیابی سیاست. در مرحله بعدی تلاش شد که به تفسیر نقش آمار در هر کدام از گام‌های این چارچوب پیشنهادی پرداخته شود. یکی از عیب‌های مترتب بر سیاست‌گذاری در ایران، سیاست‌گذاری نظرسنجی-محور است. در این نوع سیاست‌گذاری، سیاست‌های ملی بر اساس افکار و عقاید سیاست‌گذاران تدوین می‌شود. در دهه حاضر اندیشمندان سیاست عمومی رویکرد جدیدی برای سیاست‌گذاری در پیش گرفته‌اند که قرائن و شواهد محوریت سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد. محافل سیاست‌گذاری با استفاده از شواهد می‌توانند سیاست‌های تأثیرگذار تدوین کنند نه صرفاً بر اساس عقاید و افکار. در این تحقیق تلاش شد تا به سیاست‌گذاران این حوزه کمک شود روندی را که می‌توان بر طبق آن سیاست‌هایی تولید کرد که مبتنی بر بهترین و معتبرترین شواهد علمی است، شناسایی کنند و در تدوین سیاست‌ها، پایش و اجرای سیاست‌ها و ارزیابی سیاست‌ها مورد استفاده قرار دهند. برای تحقق این امر، همان‌گونه که در بخش‌های قبل ذکر شد، مدل‌های مختلف برای سیاست‌گذاری مبتنی بر

شواهد که تاکنون مطرح شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. این مدل‌ها دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند، ولی هیچ‌یک از آنها دارای جامعیت نیست. بنابراین، نمی‌توان تنها یکی از این مدل‌ها را ملاک عمل قرار داد. به همین دلیل تحقیق حاضر، از این چارچوب‌ها استفاده نموده تا چارچوب جامعی را که دربرگیرنده ویژگی‌های تمام مدل‌های قبلی است، برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد ارائه نماید تا بهتر بتوان در خصوص نقش شواهد و به‌طور ویژه نقش آمار در گام‌های مختلف آن بحث کرد؛ چرا که یکی از دغدغه‌ها و چالش‌های سیاست‌گذاری این است که چگونه شواهد در سیاست‌گذاری گنجانده می‌شود؟ به‌طور کلی، فرایند سیاست‌گذاری شامل مراحل مختلفی است که از مرحله تدوین دستور کار آغاز شده و تا مراحل اجرای سیاست و ارزیابی سیاست ادامه دارد. شواهد در هر یک از مراحل سیاست‌گذاری کاربرد خاصی دارد و در هر مرحله سازوکارهای مختلف برای استفاده از شواهد مورد نیاز است. این موضوع به خوبی در تحقیق حاضر تشریح و نشان داده شد که آمار، چگونه ما را قادر خواهد کرد تا مسائلی نظیر فقر، تورم، آلودگی هوا، بیکاری فارغ‌التحصیلان و غیره را شناسایی کنیم. فقر دارای ماهیت چندبعدی است که تنها در صورت داشتن آمار و اطلاعات جامع می‌توان مسائل مربوط به آن را شناسایی کرد. همچنین، نقش آمار در طراحی و انتخاب سیاست‌ها به خوبی توصیف و نشان داده شد که ضمن اینکه آمار و اطلاعات صحیح و دقیق می‌تواند به فهم مسئله کمک کند، مبنایی برای راهکارها و راه حل نیز هستند. آمار می‌تواند به پیش‌بینی آینده کمک نماید. به‌عنوان مثال، جدول نهاده- ستاده برای پیش‌بینی‌های اقتصادی کمک می‌کند و سرشماری عمومی نفوس برای طرح‌ریزی جمعیت، آموزش و پرورش، بهداشت و غیره مفید است. در بخش سلامت هنگامی که یک کشور با شیوع یک بیماری جدی درگیر است، پیش‌بینی بسیار اهمیت می‌یابد. دولت باید بداند که سرعت شیوع بیماری چقدر است تا اقدامات مناسبی را طراحی کند. در دسترس بودن اطلاعات و داده‌های دقیق در مورد شیوع بیماری برای پیش‌بینی‌های آتی بسیار مهم است. همچنین، بر نقش آمار و اطلاعات در اجرای سیاست تأکید شد. آمار و اطلاعات خوب به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا اجرای سیاست‌ها را مورد پایش قرار دهند. با این حال، نبود اطلاعات در خصوص روندها مانع جدی برای اجرای سیاست‌های هدف-محور است. استفاده از آمار در ارزیابی اثرات سیاست نسبت به کاربرد آمار در اجرای سیاست، روش مندرت‌تر و ساختاریافته‌تر است. آمارشناسان باید از همان ابتدای فرایند سیاست‌گذاری تا مرحله ارزیابی اثرات سیاست‌های اجراشده درگیر باشند. در برخی موارد ممکن است که این ارزیابی‌ها به‌صورت دوره‌ای و در فواصل زمانی منظمی انجام شود.

از جمله راهکارهای پیشنهادی برای تقویت و ترغیب به سیاست‌گذاری بر اساس آمار و

اطلاعات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ◇ ارتقاء دادن دانش تصمیم‌گیرندگان نسبت به شیوه‌های استفاده از آمار و اطلاعات موجود؛
- ◇ برقراری نظام تشویق و تنبیه بر اساس میزان استفاده از پایگاه‌های آماری موجود در تصمیم‌گیری‌ها؛ شناسایی و مشخص نمودن نیازها و اولویت‌های تولید آمار و اطلاعات از طرف سیاست‌گذاران؛
- ◇ طراحی ساختارهایی برای سهولت دسترسی به تولیدکنندگان آمار و اطلاعات و ایجاد پل ارتباطی بین آنها؛
- ◇ گسترش فعالیت‌های آماری در زمینه‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و خدماتی؛
- ◇ ترغیب مسئولان و محققان سایر رشته‌ها به استفاده از آماردانان در انجام فعالیت‌ها و عدم ارائه نظرات غیرکارشناسی و یا صرفاً متکی بر برداشت فردی و شخصی در مورد آمار؛
- ◇ بالابردن سطح تلقی و درک مسئولان از مزایای استفاده از آمار در تصمیم‌گیری‌ها؛
- ◇ ترویج استفاده از آمار در مدیریت کلان اقتصادی و به‌خصوص در حصول اطمینان از ثبات و رشد اقتصادی؛
- ◇ تأکید بر نقش آمار در حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ترویج و توسعه بازارهای مؤثر و کارآمد؛
- ◇ بسیج منابع ملی و بین‌المللی آماری؛
- ◇ ارتقاء سرمایه‌گذاری برای توسعه سیستم‌های آماری ملی.

فهرست منابع

دانیایی‌فرد، حسن، عادل آذر، سیدعباس ابراهیمی. ۱۳۹۲. بررسی راهکارهای ارتقای قابلیت‌پذیری سیاسی، اجتماعی، اداری و فنی خط‌مشی‌های عمومی کشور با استفاده از رویکرد خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد. فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی ۱ (۳): ۳۴-۱۸.

AO, Gary Banks. 2009. Challenges of Evidence-Based Policy-Making.

<http://www.apsc.gov.au/publications-and-media/archive/publications-archive/evidence-based-policy> (Accessed June, 19 2014)

Ashford, L. S., R. R. Smith, R. M. De Souza, F. F. Fikree, and N. V. Yinger. 2006. Creating windows of opportunity for policy change: incorporating evidence into decentralized planning in Kenya. Bulletin of the World Health Organization 84 (8): 669-672.

Cabinet Office. 1999. *Modernising government white paper*. London: The stationery office.

Cable, Vincent. 2004. Evidence and UK Politics, Does Evidence Matter? Presentation as Part of a ODI, Meeting Series on Does Evidence Matter? London. UK.
http://jipm.irandoc.ac.ir/page.php?slct_pg_id=48&sid=1&slc_lang=fa (accessed Feb. 20, 2014)

Clarence, Emma. 2002. Technocracy reinvented: the new evidence based policy movement. *Public Policy and Administration* 17 (3): 1-11.

- Coulombe, H. and A. McKay. 2003. Changes in poverty and inequality in a slow growth environment: *Ghana over 1990*, The World Bank. <http://www.worldbank.org/en/publication/reference> (Accessed July, 11 2014)
- Creswell, J. W., V. L. Plano Clark, M. L. Gutmann, and W. E. Hanson. 2003. Advanced mixed methods research designs. *Handbook of mixed methods in social and behavioral research*. 209-240. England: Cambridge University.
- Davies, Philip. 2004. Is evidence-based government possible?. *London: Prime Ministers Strategy Unit*. http://www.sandy-campbell.com/sc/KTC_Module_1_files/KTC%20Module%201%20-%202.3b%20-%20Davies%202004.pdf (Accessed July, 4 2014).
- Edwards, Meredith. 2005. Social Science Research and Public Policy: Narrowing the Divide1. *Australian Journal of Public Administration* 64 (1): 68-74.
- Hornby, P, and H. S. R. Perera. 2002. A development framework for promoting evidence-based policy action: drawing on experiences in Sri Lanka. *The International journal of health planning and management* 17 (2): 165-183.
- Jewell, Christopher J., and Lisa A. Bero. 2008. Developing Good Taste in Evidence. Facilitators of and Hindrances to Evidence-Informed Health Policymaking in State Government. *Milbank Quarterly* 86 (2): 177-208.
- Kingdom, J. W. 1996. *Agendas, alternatives, and public policies* (Vol. 45). Boston: Little, Brown.
- Marston, G. and R. Watts. 2003. Tampering with the evidence: a critical appraisal of evidence-based policy-making. *The Drawing Board: An Australian Review of public Affairs* 3 (3): 143-163.
- Muir Gray, J. A. 1997. *Evidence-based healthcare: how to make health policy and management decisions*. London: Churchill Livingstone 53.
- Noblit, George W., Hare, R. Dwight. 1988. *Meta –Ethnography: Synthesizing qualitative studies*. Newbury Park, CA: Sage.
- Nutley, Sandra, Huw Davies, and Isabel Walter. 2002. *Evidence based policy and practice: cross sector lessons from the UK*. ESRC UK Centre for evidence based policy and practice: working paper 9.
- _____, and Peter C. Smith. 2000. What works? Evidence-based policy and practice in public services. *Health & Social Care in the Community* 9(6): 504-505.
- O'Dwyer, Lisel. 2004. A critical review of evidence-based policy making. Australian Housing and Urban Research Institute. https://www.ahuri.edu.au/__data/assets/pdf_file/0016/2248/AHURI_Final_Report_No58_A_critical_review_of_evidence_based_policy_making.pdf (Accessed July, 2 2014).
- Sanderson, Ian. 2002. Evaluation, policy learning and evidence-based policy making. *Public administration* 80 (1): 1-22.
- Scott, C. 2005. Measuring up to the measurement problem: the role of statistics. *London School of Economics*. <http://www.paris21.org/sites/default/files/MUMPS-full.pdf> (Accessed July, 1 2014).
- Shaxson, Louise. 2005. Is your evidence robust enough? Questions for policy makers and practitioners. *Evidence & Policy: A Journal of Research, Debate and Practice* 1 (1): 101-112.
- World Bank Group, ed. 2000. *World development indicators 2000*. Switzerland: World Bank Publications.
- Zimmer, Lela. 2006. Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing* 53 (3): 311-318.

لیلا نامداریان

متولد سال ۱۳۶۴، دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته سیاست‌گذاری علم و فناوری از دانشگاه تربیت مدرس است. ایشان هم‌اکنون استادیار گروه مدیریت فناوری اطلاعات پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) است.

آینده‌پژوهی، سیاست‌گذاری علم و فناوری، بازمهندسی فرایندهای کسب و کار، برنامه‌ریزی استراتژیک، نظام ملی نوآوری، علم‌سنجی، ارزیابی علم و تکنولوژی از جمله علایق پژوهشی وی است.

